

تقدیم به:

ساحت مقدس حبیب اللہ،

خاتم الانبیاء، حضرت محمد بن عبداللہ ﷺ

و آخرین وصی آن حضرت،

وجود مقدس و ملکوتی بقیۃ اللہ الاعظم،

حضرت مہدی موعود، صاحب الزمان (عج اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف)

محبت، دوستی و دوستیابی

از نگاہ قرآن کریم

حجت اللہ رحمانی

| | |
|----|---------------------------------------|
| ۳۹ | فصل چهارم: آثار محبت به خدا |
| ۳۹ | ۱. دوستی نزدیک‌ترین راه مشابهت |
| ۴۰ | ۲. آرامش |
| ۴۱ | ۳. محبوب خداوند شدن |
| ۴۲ | ۴. آمرزش گناهان |
| ۴۳ | ۵. تبدیل دشمنی‌ها به دوستی و محبت |
| ۴۵ | فصل پنجم: موانع محبت به خدا |
| ۴۵ | ۱. عدم شناخت خداوند |
| ۴۶ | ۲. تعصبات بی‌جا |
| ۴۷ | ۳. محبت به بیگانه |
| ۴۸ | ۴. دنیاطلبی |
| ۵۱ | فصل ششم: محبت خدا به بندگان |
| ۵۲ | الف) محبت عمومی خداوند نسبت به بندگان |
| ۵۳ | ب) محبت اختصاصی خداوند نسبت به بندگان |
| ۵۹ | فصل هفتم: محبوبان خدا |

بخش دوم: دوستی انسان‌ها

| | |
|----|---|
| ۷۱ | فصل اول: دوستی خاندان رسالت نسبت به مردم |
| ۷۵ | فصل دوم: دوستی انسان‌ها با پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و اهل بیت <small>علیهم السلام</small> |
| ۸۱ | فصل سوم: دوستی انسان‌ها با نیکان و مؤمنان |
| ۸۵ | فصل چهارم: دوستی انسان‌ها با نزدیکان خود |

| | |
|----|------------------------------------|
| ۸۵ | ۱. پدر و مادر |
| ۸۷ | ۲. همسر |
| ۸۹ | ۳. فرزندان |
| ۹۰ | نکته: |
| ۹۱ | ۴. ارحام (خویشاوندان) |
| ۹۳ | فصل پنجم: دوستی انسان نسبت به اشیا |
| ۹۳ | ۱. مال و ثروت |
| ۹۵ | ۲. بت |
| ۹۶ | ۳. مسکن |

بخش سوم: دوست‌یابی

| | |
|-----|------------------------------------|
| ۱۰۳ | فصل یکم: ملاک‌ها و موانع دوست‌گیری |
| ۱۰۴ | ۱. ایمان |
| ۱۰۵ | ۲. احترام به مقدسات و مسائل دینی |
| ۱۰۶ | ۳. راستگویی |
| ۱۰۸ | ۴. دوستی دوطرفه |
| ۱۰۸ | ۵. هماهنگی ظاهر و باطن |
| ۱۱۰ | ۶. همراهی در سختی‌ها و خوشی‌ها |
| ۱۱۱ | ۷. خیرخواه بودن |
| ۱۱۲ | ۸. خوش اخلاقی |
| ۱۱۳ | ۹. برهیز از دوستی نامشروع |

| | |
|-----|--|
| ۱۱۴ | ۱۰. سربلندی در آزمایش‌ها؛ |
| ۱۱۷ | فصل دوم: آثار مثبت پرورداری از دوستان نیک |
| ۱۱۷ | ۱. تحصیل و تقویت ایمان |
| ۱۱۸ | ۲. هدایت به راه مستقیم |
| ۱۱۹ | ۳. محبوب خدا شدن |
| ۱۲۱ | فصل سوم: عواقب خطرناک دوستی با افراد ناباب |
| ۱۲۱ | ۱. غفلت از یاد خدا |
| ۱۲۲ | ۲. تنهایی در اوج سختی‌ها |
| ۱۲۴ | ۳. تبدیل دوستی به دشمنی |
| ۱۲۵ | ۴. احضار با خفت و خواری در قیامت |
| ۱۲۶ | ۵. گرفتاری در عذاب الهی |
| ۱۲۷ | ۶. تنهایی در هنگام جان دادن، برزخ و قیامت |
| ۱۲۹ | منابع و مآخذ |

پیش‌گفتار

انسان‌ها بر اساس فطرت خدادادی خویش به آنچه مفید می‌پندارند علاقه‌مندند و از آنچه که موجب آزار و ناخوشایندی آنان می‌شود گریزان. به همین جهت هر کسی را که محبت و خوبی او را نسبت به خود احساس کنند، به او علاقه‌مند می‌شوند و او را دوست می‌دارند.

اما به راستی چه کسانی سعی در خوشی و رفاه انسان‌ها دارند و چه کسانی واقعاً او را دوست دارند و در رسیدن به آرزوها و نیازهایش، وی را یاری می‌کنند؟ یاری‌گران او از این کمک و محبت، چه هدفی دارند؟ آیا واقعاً دوست اویند یا گرگ‌میش‌نما هستند؟ تا چه حد می‌توان به مدعیان دوستی و خیرخواهی اعتماد نمود و به آنان ابراز علاقه و دوستی داشت؟ و...

آنچه از قرآن به عنوان کلام خالق هستی و ره‌نمای بشریت و نیز از مطالعه‌ی تاریخ می‌آموزیم این است که همواره در طول تاریخ، انسان‌ها مسیر صلاح نیکی را در انتخاب محبوب و دوست نپیموده‌اند بلکه گاهی،

خواسته یا ناخواسته، به بدترین دشمنان خود دست دوستی و محبت داده‌اند و تمام هستی خود را فدای او نموده‌اند، ولی در روز سختی از او، چیزی جز خیانت و بی‌وفایی ندیده‌اند؛ اما مشکل به این جا ختم نمی‌شود، چرا که این خسران و ضرر در آخرت بیش‌تر خود را نمایان می‌سازد، وقتی که افراد از دوستی و دلدادگی نسبت به برخی افراد، گروه‌ها، و... اظهار پشیمانی و ندامت می‌کنند^۱ و در برخی موارد دوستی با آنان را انکار می‌نمایند، ولی در عالمی که جز حق و حقیقت نیست نمی‌توان با این اعمال و رفتار، گذشته‌ی خود را از بین برد؛ و صد حیف که در این حین دیگر مجالی برای جبران گذشته‌ها نیست.

نکته‌ای که در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تفکر در این موضوع است که آیا هر کس و هر چه که به نظر انسان زیبا و مفید بود، شایسته‌ی محبت و دوستی است و هر کس و هر چه که در نظر اول و بدون دقت، مضر تشخیص داده شد سزاوار جدایی است؟ و از طرف دیگر، چیزی که به نفع ما و خوب است، تا چه اندازه باید نسبت به آن محبت نمود و در چه سطحی باید دل‌داده‌ی او شد.

در این نوشتار، درصددیم با الهام‌گیری از آیات نورانی و حیات‌بخش وحی، به این مسائل نظری بیفکیم و از لابلای دستورات زندگی‌ساز آن به وظایف خود در این بحث آشنا شویم.

۱. ﴿يَتَوَلَّوْا لِيَنبِي لَمْ اَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيْلًا﴾: سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان، آیه‌ی ۲۸.

قبل از شروع بحث به صورت خلاصه به چند مطلب اشاره می‌شود:
۱. موضوع مورد بحث در این کتاب عبارت است: «از بررسی معنای محبت، جایگاه و ارزش آن، واژه‌های مرتبط، انواع دوستی و شرایط و ملاک‌های انتخاب دوست از دیدگاه قرآن».

۲. اگر چه بحث در صورتی تکمیل می‌شود که ضد محبت، یعنی بغض و دشمنی نیز مورد بحث قرار گیرد اما در این بحث فقط به موضوع محبت پرداخته شده و بررسی موضوع بغض و دشمنی به مجالی دیگر احاله شده است.

۳. هدف ما از این نوشتار، دست‌یابی به دیدگاه قرآن نسبت به دوستی و دوستی‌های مورد رضایت خداوند و نیز آشنایی با کسانی است که انسان را در رسیدن به کمال، یاری و مدد می‌رسانند. ما در طول زندگی باید سعی کنیم به این ره‌نمودها جامه‌ی عمل بپوشانیم و از کسانی که دوستی با آنان خسارت دنیا و آخرت را به دنبال دارد پرهیز نماییم.

۴. اگر چه با توجه به آیات قرآن کریم و روایات، بحث محبت همیشه مطرح بوده و همواره کتاب‌هایی در این زمینه نوشته شده اما کتابی که فقط از نگاه قرآن به این موضوع پرداخته باشد وجود ندارد؛ لذا احساس نمودم که چنین چیزی لازم است و نگارش آن را آغاز نمودم.

۵. منابع این نوشتار، در مرحله اول قرآن کریم و سپس تفاسیر معتبر شیعه و عامه است و در اکثر موارد، انتخاب و گزینش آیات، با استفاده از همین تفاسیر و با توجه به برداشت‌های شخصی انجام شده است.

۶. طبیعی است که نویسنده هیچ ادعایی ندارد که همه‌ی مطالب این کتاب غیر قابل نقد و خالی از اشکال است، بلکه امید دارد خوانندگان محترم، نقاط ضعف و اشکالات را یادآور شوند تا ان شاء... در مراحل و چاپ‌های بعدی مرتفع گردند.

در پایان لازم می‌دانم از همه‌ی عزیزانی که در تهیه‌ی این نوشتار حقیر را یاری نمودند؛ به ویژه حضرت حجة الاسلام و المسلمین حیدری و مرحوم مغفور حضرت حجت الاسلام و المسلمین کربلایی علیرضا حق‌شناس تشکر و قدردانی نمایم و برای آن مرحوم از خداوند متعال علو درجات را مسئلت می‌نمایم.

حجت الله رحمانی

بهار ۱۳۸۷

مقدمه

شایسته است پیش از پراختن به موضوع مورد بحث، اشاره‌ای به معنای واژه «محبت» و الفاظ مترادف آن در قرآن کریم داشته باشیم.

الف) «محبت»

واژه‌ی «محبت» با تمام مشتقاتش، ۹۵ مرتبه در ۳۵ سوره از قرآن کریم آمده است. این واژه از ریشه‌ی «حب» به معنای دانه است؛ چرا که گویی محبت هم چون دانه‌ای است که در دل آدمی کاشته می‌شود و روز به روز رشد کرده و بالنده می‌شود.

به اراده کردن آنچه را که انسان یقین یا گمان به خوب بودنش دارد نیز محب گفته‌اند.^۱

«محبت» سه ریشه می‌تواند داشته باشد: لذت (محبت به چیزی که برای انسان لذت‌بخش است)، نفع (محبت به چیزی که برای انسان سودمند است) و کمال (محبتی که از کمال آدمی سرچشمه می‌گیرد).

۱. المفردات، الفاظ القرآن، ص ۲۱۵.

در رابطه با این واژه توجه به سه نکته ضروری است:

۱. «محبت» وقتی که به خداوند نسبت داده شود به معنای نعمت دادن به بندگان است و وقتی به بندگان نسبت داده شود به معنای طلب تقرب به خداست.

۲. «محبت» در برخی موارد غریزی و فطری است و از بدو تولد در انسان نهفته است، همانند محبت به فرزند، مال و...؛ و در برخی موارد محبت‌ها اکتسابی است، یعنی باید برای به دست آوردن آنها کوشید، همانند محبت به پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام.

۳. «عشق» واژه‌ای است که در ادبیات فارسی و عربی وجود دارد و به معنای «شدت محبت و علاقه» است.^۱ این واژه در قرآن کریم به کار نرفته و برای محبت زیاد، واژه‌ی «أَشَدُّ حُبًّا»^۲ و «قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا»^۳ آمده است؛ اما در روایات، این واژه زیاد به کار رفته است.

(ب) «مودت»

واژه‌ی «مودت» با تمامی مشتقاتش، ۲۹ مرتبه در ۱۸ سوره‌ی قرآن کریم آمده است.

با توجه به استعمالات قرآنی این واژه، چنین به نظر می‌آید که در این واژه علاوه بر معنای دوستی و محبت، ترتیب اثر دادن بر آن دوستی در عمل نیز لحاظ شده است.^۴

۱. المعجم الوسیط، ص ۶۰۳.

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۵.

۳. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۳۰.

۴. الصحاح، ج ۲، ص ۵۴۹.

(ج) «خلة»

واژه‌ی «خلة» با تمامی مشتقاتش، ۱۳ مرتبه در ۱۱ سوره آمده است. «خلیل» بر وزن فعیل از واژه‌ی «خُلَّه» به معنای مودت و دوستی و جمع آن أخلاء است. و خُلَّه، دوستی کاملاً خالصانه و در نهایت اخلاص است که در باطن قلب قرار گرفته است^۱ و خلیل خالص‌ترین و صحیح‌ترین دوستی‌هاست.

(د) «رفیق»

واژه‌ی «رفیق» با تمامی مشتقاتش، ۵ مرتبه در ۳ سوره آمده است. «رفیق، مدارا کردن و نرمی کردن و ظرافت در عمل است؛ و کسی که این کار را انجام می‌دهد رفیق است؛ و رفیق تو کسی است که یک نرمی خاصی بین او و تو جمع کرده است».^۲

(ه) «صدیق»

واژه‌ی «صدق» با تمامی مشتقاتش، ۱۵۵ مرتبه در ۴۹ سوره آمده است. «ریشه‌ی صدق دلالت می‌کند بر سختی و قوت در چیزی، و اگر به سخن راست هم صادق می‌گویند به این علت است که سخن راست از استحکام و قوت برخوردار است. و صدیق کسی است که ملازم با صدق است، و صدیق به معنی دوست است و در حقیقت استحکام در مودت را صداقت می‌گویند؛^۳ و به همین دلیل هم به کسی صدیق گفته می‌شود که

۱. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۶۴.

۲. العین، ج ۵، ص ۱۴۹.

۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۳۹.

هر یک از دو نفر، مودت و دوستی رفیقش را داشته باشد و باطنش هم مانند ظاهرش باشد و صداقت و استحکام در آن دوستی داشته باشد»^۱.

(و) «ولی»

واژه‌ی «ولی» با تمامی مشتقاتش، ۲۳۱ مرتبه در ۵۵ سوره آمده است. (این واژه در اصل به معنای «واقع شدن چیزی پشت سر چیز دیگر است، به گونه‌ای که بین آنها ارتباط نیز باشد؛ و این که می‌گوییم پشت سر آن باشد، اعم از جلو یا پشت است»^۲).

در کتاب‌های لغت واژه‌ی «ولی» به چهار معنا آمده است: دوستی، نزدیکی، سرپرستی و یاری کردن که در استعمالات متفاوت، هر یکی از این معانی ممکن است مورد نظر باشد. اما وقتی این واژه در مورد خدا یا پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام استعمال می‌شود، هر چهار معنا محتمل است؛ زیرا آنان هم بهترین دوست انسان‌ها هستند، هم از هر کس به او نزدیک‌ترند، هم سرپرستی مؤمنان را بر عهده دارند و هم در همه حال یاور انسانها هستند.

(ز) «خدن»

واژه‌ی «خدن» ۲ مرتبه در ۲ سوره و به صورت جمع «أخدان» آمده است.^۳

۱. الفروق اللغویه، ص ۳۱۰.
 ۲. التحقيق، ج ۱۴، ص ۲۰۲.
 ۳. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۲۵ و سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۵.

«خدن» به معنی مُصاحب و همراه است، اگرچه بیش‌تر در مواردی استعمال می‌شود که این مصاحبت برای شهوت باشد.^۱ با توجه به آرای اهل لغت و دیدگاه مفسران بزرگ، قرآن کریم، این واژه در قرآن به معنای دوستی‌ای به کار می‌رود که هم پنهانی است و هم از شهوت نشأت گرفته است.^۲

(ح) «حمیم»

واژه‌ی «ح م م» با تمامی مشتقاتش، ۲۱ مرتبه در ۱۵ سوره آمده است. «حمیم» به معنای نزدیکی است که تو او را دوست می‌داری و او نیز تو را دوست می‌دارد.^۳

این واژه در اصل به معنای گرمی است و لذا به آب جوشان جهنم به جهت گرمی‌اش و نیز به دوستی و صداقت گرم و صمیمانه حمیم اطلاق شده است.

۱. المفردات، ص ۱۴۴.
 ۲. تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۹۵.
 ۳. لسان‌العرب، ج ۱۲، ص ۱۵۳.